

آیا برای جلوگیری از تغییرات زیست محیطی اراده لازم وجود دارد؟

راميرو راميرز

پس از ۹ سال مذاکرات طولانی، به نظر می‌رسد که هنوز جهان نتوانسته برای مهار معضل تغییرات آب و هوایی راه حلی بیابد. پروتکل کیوتو وسیله‌ای است که جامعه بین‌الملل تلاش کرده با تمسک به آن با پدیده انتشار فزاینده گازهای گلخانه‌ای به درون اتمسفر که نظام آب و هوایی جهان را در معرض خطر جدی قرار داده، مبارزه نماید. اما اخیراً سوالی مطرح شد بر این مبنا که: «اگر آمریکا به این پروتکل می‌پیوست، فکر می‌کنید از وضع بهتری برخوردار می‌شدیم؟» همین پرسش مرا به تفکر در حواشی این موضوع واداشت. لذا، بد نیست برای لحظه‌ای فکر کنیم که آمریکا در سال ۲۰۰۲ پروتکل کیوتو را تصویب کرده بود، اگر چنین می‌شد اکنون چهار سال از لازم‌الاجرا شدن این پروتکل می‌گذشت در آن صورت در حجم کلی گازهای گلخانه‌ای منتشره چه تغییری به وجود می‌آمد؟ از نظر من پاسخ به این پرسش این است که احتمالاً آمریکا به تعهد خود مبنی بر کاستن از حجم گازهای منتشره به میزان ۵٪ نسبت به سال ۱۹۹۰ عمل نمی‌کرد. چرا؟ چون هیچ‌گونه معجزه‌ای متصور نیست که بتوان با توسل به آن رابطه بین رشد اقتصادی و انتشار گاز دی‌اکسید کربن را از میان برداشت. مخصوصاً اگر قرار باشد بازار به حال خود واگذارده

۱. این نوشتار برگردانی است آزاد از مقاله آقای راميرو راميرز، تحلیلگر موضوعات زیست‌محیطی و تغییرات آب و هوایی در سازمان کشورهای صادرکننده نفت (OPEC)

شود و دولتها نیز از دخالت در این زمینه منع شوند. امروز می‌بینیم دولت انگلستان چگونه تلاش می‌کند تا ثابت کند که به منظور کاستن از حجم گازهای گلخانه‌ای از چه سیاست زیست محیطی مؤثری استفاده می‌کند. با بالا رفتن قیمت سوخت، بخش تولید برق یا نیروگاهی مقررات‌زدایی شده آن به استفاده مجدد از نیروگاههایی روی آورده که از زغال سنگ برای تأمین سوخت بهره می‌گیرند تا از لطامات صعود قیمت نفت و سایر سوختها مصون بمانند. و این رویکرد به معنی تولید هر چه بیشتر گازهای گلخانه‌ای و دی‌اکسید کربن توسط انگلستان و خط بطلانی است بر همه دستاوردهای گذشته.

محرك بازارها، قیمت است و از سازوکار قیمت هم کسی اطلاعی ندارد. لذا بگذارید قدری بیشتر وارد دنیای تصورات شویم و ببینیم وقتی که رقبای جدیدی از اقتصادهای نوظهور در حال توسعه سربر آورند و از مزیت‌های رقابتی که به تصور آنها وجود دارد، بخواهند استفاده کنند، بر سر این «بازار جهانی» چه خواهد آمد. قطعاً چنین تصویری نمی‌تواند خوشایند باشد و باید چاره‌اندیشی شود. در آن صورت ممانعت از تجارت بین‌المللی کشورها به دلایل زیست محیطی، محتمل‌ترین راه چاره خواهد بود. ولی اتخاذ چنین تصمیمی به خودی خود اعتراف به وجود چیزی هست که اهمیت آن بیشتر از بازار است و چنین اعترافی به مذاق روند جهانی سازی (یا تجارت عظیم) چندان خوش نخواهد آمد. بنابراین روشن است که در چنین وضعیتی باید بین تجارت جهانی یا محیط زیست جهانی، یکی انتخاب شود. و همه ما می‌دانیم که در نهایت طرفداران کدام انتخاب، برنده می‌شوند.

در حال حاضر در کجای کار قرار داریم؟

شرایط به گونه‌ای است که علی‌رغم لفاظی‌ها و خوش‌نیتی‌هایی که بسیاری از دست‌اندرکاران ابراز می‌دارند، حتی در پیشرفته‌ترین کشورها، تولید و انتشار گازهای گلخانه‌ای ادامه و افزایش می‌یابد. علاوه بر این، انرژی مهم‌ترین مقوله موجود در دستورکار سیاسی جهان است، آنهم نه به این خاطر که پذیرفته‌ایم باید آن را به طور منطقی تر و با آلاینده‌گی کمتر استفاده کنیم بلکه به این دلیل که حصول اطمینان از امنیت عرضه، نگرانی طرف مقابل است.

ظاهراً تنها پیشرفتی که داشته‌ایم بالابردن سطح آگاهی عمومی و ارائه شواهد علمی بوده تا نشان دهیم بین انتشار گازهای گلخانه‌ای حاصل از فعالیت بشر و تغییرات آب و هوایی رابطه‌ای وجود دارد. اما، ظاهراً این اتفاق نظر نیز وجود دارد که با وصله پینه کردن،

امکان حل و فصل این معضل فراهم نخواهد شد. به عبارت دیگر هر کشوری که خواهان توسعه بخشیدن به اقتصاد خویش است باید در این تلاش جهانی مشارکت داشته باشد. مع ذلک، نمی‌توان گفت که همه کشورها، دارای اولویتهای مشابه یا یکسانی هستند. توسعه پایدار به گونه‌ای که اجلاس سران توسعه پایدار در سال ۲۰۰۲ به تعریف آن دست یافت؛ وضعی است که باید بر سه ستون توسعه اقتصادی، اجتماعی و حفظ محیط‌زیست استوار باشد. ولی، در همه حال، یکی از این ستونها یا دو مورد از آنها بر یک مورد یا دو موضوع دیگر اولویت می‌یابند. شکی نیست که کشوری که با فقر و گرسنگی مردم خود دست به گریبان است نمی‌تواند ضرورتها را نادیده گرفته و به مشکل زیست‌محیطی فکر کند. لذا به نظر می‌رسد که باید در مذاکرات جانب انصاف و عدالت گرفته شود تا اطمینان حاصل گردد که همه آماده دست و پنجه نرم کردن با معضل مشترک و گریبانگیر همگانی بر مبنای مسئولیتهای مشترک و در عین حال متمایز و متفاوت هستند.

با این وصف، واقعیت تلخ این است که در کلیه مجامع زیست محیطی، بلا استثناء همه خواهان آنند که تجارت باید بتواند از طریق به وجود آوردن بازاری جهانی برای مبادله گازهای گلخانه‌ای منتشره، معضل رو به افزایش انتشارات این گازها را حل و فصل کند و در نهایت بگذارد که بازار مزبور در جهت برخورد با این قضیه به کار خود ادامه دهد. مع الوصف، در چهاردهمین جلسه کمیسیون توسعه پایدار سازمان ملل (۱۲-۱ مه، ۲۰۰۶) یکی از اعضای اتحادیه اروپا یعنی ایرلند، دیدگاه خود را به صورتی بیان کرد که بسیار جالب توجه بود. در جلسه موردنظر، ایرلند متذکر شد که توسعه پایدار مهمترین وظیفه و مسئولیت دولت است و نمی‌تواند از زیر بار آن شانه خالی کند. بخش تجاری فقط به تأمین سود و بازگشت سریع سرمایه می‌اندیشد، در حالی که اتخاذ تدابیر و اقدامات مورد نیاز برای برخورد با شرایط آب و هوایی، ماهیت درازمدت داشته و بخش تجاری به هیچ وجه قادر نیست چنین رویه‌ای را در پیش گیرد.

راه‌حلی که تاکنون پیشنهاد شده این است که برای حق تولید و انتشار کربن باید نرخی تعیین شود. به عبارت دیگر با تعیین قیمت برای انتشار کربن در مقیاس جهانی، هزینه آسیبهای وارده به محیط زیست از جنبه داخلی برخوردار می‌شود و برای بازار این امکان فراهم می‌شود که برای مصرف‌کنندگان انگیزه اقتصادی لازم را به وجود آورد تا از سوختهای دیگر استفاده کنند. آیا این نحوه استدلال می‌تواند درست باشد؟ تردید دارم که چنین باشد.

۱. چنانچه در کشوری امکان استفاده از منبع انرژی دیگری وجود نداشته باشد، یا اینکه استطاعت استفاده از انرژیهای دیگر به جزی همان سوختهای فسیلی «ارزان و کثیف» سنتی (که با استفاده از همانها قدرتهای صنعتی به توسعه اقتصادی رسیدند) وجود نداشته باشد، چه وضعی پیش می‌آید؟
۲. در صورتی که اصولاً کشوری فاقد نظام اقتصادی قابل بحثی باشد و در آن صحبت از ایجاد انگیزه هم، محلی از اعراب نداشته باشد، چه باید کرد؟
۳. در صورتی که بازار موجود در کشوری خاص، چنان بی‌اهمیت باشد که هیچکس راغب به سرمایه‌گذاری در آن نباشد، چه می‌شود؟
۴. چنانچه ماهیت سرمایه‌گذاری به صورتی باشد که سرمایه‌گذار به این نتیجه برسد که سرمایه‌گذاری در کوتاه مدت به سوددهی نخواهد رسید، چه باید کرد؟
۵. در صورتی که مردم کشوری تهیدست و بی‌سواد باشند و نتوانند نیروی کار مکفی را برای رقابت در بازاری جهانی تربیت کنند، چطور؟

در چنین شرایطی، کدام کشور می‌تواند در تلاش برای حفظ سیاره زمین مشارکت داشته باشد؟ به نظر می‌رسد کشورهای در حال توسعه یا کشورهایی که از کمترین میزان توسعه نیز بی‌بهره‌اند نمی‌توانند در این حرکت، نقشی داشته باشند.

با این وصف، چنین استدلال می‌شود که اقتصادهای نوظهوری چون چین باید متعهد به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای شوند. در نگاه اول، طرح این موضوع معقول به نظر می‌رسد ولی نباید فراموش کرد که آن دسته از کشورهایی که عمدتاً مسئول پیدایش این شرایط و مشکلات هستند یا نمی‌توانند و یا نمی‌خواهند به حل این معضل پردازند. شاید علت این باشد که معضل به وجود آمده به طرز پیچیده‌ای با انگاره اقتصادی ارتباط دارد که محرک اصلی آن مصرف است و استفاده از هر فرصت ممکن برای ایجاد انگیزه‌های لازم برای ادامه تحرک آن. الگوهای مصرف و تولید جهان صنعتی و بخش اعظم جهان در حال صنعتی‌شدن، نمی‌تواند پایدار و قابل استمرار باشد. همگان از این واقعیت مطلع هستند ولی هیچ‌گاه حاضر نیستند آن را عمیقاً بررسی کرده و مورد بحث قرار دهند.

به کدام جهت در حرکتیم؟

تا زمانی که نتوانیم با موضوع توسعه، برخوردی همه‌جانبه و جامع‌نگر داشته باشیم و تا

زمانی که کشورهای در حال توسعه با چنین هدفی حرکت نکرده‌اند، نخواهیم توانست برای معضل تغییرات آب و هوایی به راه حل مناسبی دست پیدا کنیم. منظور از جامع‌نگری، توسعه پایدار است در سایه مدنظر قرار گرفتن متوازن توسعه اقتصادی اجتماعی و حفظ محیط زیست به عنوان منبعی حیاتی. ولی برای رسیدن به چنین نگرشی، ابتدا باید بسیاری از بی‌عدالتی‌های موجود از میان برداشته شوند. روحیه و نحوه برخورد استعماری می‌بایست در جهان خاتمه یابد به گونه‌ای که در مناسبات اقتصادی، نقش گروهی از کشورها صرفاً تولیدکننده مواد خام موردنیاز آن دسته از کشورهای صنعتی نباشد که دائماً از بازارهای آزاد دم می‌زنند.

تا زمان رسیدن به وضعیت بهتر، چه می‌توان کرد؟

یکی از روشهای جالب در دفاع از محیط زیست؛ می‌تواند فراهم ساختن امکانات دسترسی آزاد به فن‌آوریهای با آلاینده‌گی کمتر، عدم استفاده از سوختهای فسیلی، حذف روحیه انحصارطلبی در امر توسعه انرژیهای تجدیدپذیر و مشارکت دادن کشورهای در حال توسعه در فرآیندهای مربوطه، باشد. چرا که این حرکت می‌تواند شرایط مناسبی را برای جذب آرا و عقاید بسیار خوب در زمینه توسعه اقتصادی و تنوع بخشی اقتصادی این کشورها به وجود آورد. ولی چنانچه فکر می‌کنید این هدف بسیار بلند پروازانه و غیر عملی است، شاید بهتر باشد همان روش موردنظر چینی‌ها را بپذیریم که می‌گویند، شما (کشورهای توسعه یافته) معضل تغییرات آب‌وهوایی را حل کنید، ما هم به حل و فصل معضل فقر در کشورهایمان خواهیم پرداخت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی